

درود به همگی ؛ موعظه ی فردا از اول قرننثیان ۱۲ : ۱۲ - ۳۱ خواهد بود

برای درک بهتر از ۲ تصویر استفاده خواهد شد. که در ادامه ارسال خواهم کرد

اول قرننثیان 12 : 31-12

شخصی چنین جمله ای گفت : همانطور که "رفتن به مک دونالد شما را همبرگر نمی کند"، "کلیسا رفتن شما را مسیحی نمی کند"

سوالی که می خواهم بپرسم این است: آیا می توانی مسیحی باشی و به کلیسا نروی؟ ما در ماه ژانویه زمانی را صرف شنیدن آنچه که این دو فصل از کتاب مقدس (اول قرننثیان 12-13) در مورد کلیسا به ما می گویند می گذرانیم

"مقدمه: بخشی که امروز می خواهیم مکاشفه کنیم را شروع میکنیم، به آیه 12 نگاه کنید، با کلمه برای یا زیرا : که به این معنی است که بخشی که امروز میخوانیم به چیزهایی مربوط می شود که تیم هفته گذشته در آیه 1-11 درباره آن ها صحبت کرد - یعنی وحدت یا یگانگی مطلق کلیسا ما در روح القدسی که خدا به هر یک از ما داده است متحد هستیم. و از طریق روح یگانه، همه ما عطای ایمانی یکسانی داریم، روح القدس به هر یک از ما عطایای و یا نعمت های متفاوتی می دهد. بنابراین، کلیسا ترکیب فوق العاده ای از وحدت مطلق و یک کلایدسکوپ [تصویر 1] از تنوع است.(آیه 11 را مطالعه کنید)

و چرا اینگونه است؟ در آیه 12، میبینیم که "برای" یا "زیرا" کلیسا مانند یک بدن است (آیه را مطالعه کنید). در این فصل گفتار از «زبان روح» به «زبان بدن» منتقل می شود 12

و هر دو به این معنی هستند که سوالی که من موعظه ی امروز را با آن شروع کردم یک سوال مزخرف است، همانطور که خواهیم دید
امروز باید دو چیز را به تصویر کشید:

کلیسا بدن مسیح است 1.

آیه 12-13:

اول از همه، مانند یک بدن، کلیسا دارای تنوع است(آیه 12 را مطالعه کنید)

این چیز خیلی واضح است. لحظه ای به فردی که در کنار شما نشسته است نگاه کنید. امیدواریم به نگاه نکنید که عمدتاً فقط یک چشم بزرگ Monsters Inc کسی مانند مایک وازوفسکی در فیلم [Mike Wazowski تصویر 2] است

فردی که در کنار شما نشسته است بدنی است که از چشم، گوش، بینی، سر، اندام و پوست تشکیل شده است که خوشبختانه همه چیزهایی را که نمی توانید ببینید، می پوشاند
در مورد کلیسا هم همین طور است، کلیسا یک بدن است با اجزای متعدد.(در آیه 12 در قسمت آخر (به جای کلیسا عمداً مسیح نوشته شده است

میبینید که نوشته شده "مسیح هم همینطور است"، اما نمیگوید کلیسا، اینطور نیست؟ می گوید مسیح! عیسی به قدری با قوم خود مرتبط است که مسیح و کلیسا در اینجا در این زمینه قابل مبادله هستند - منظور آنها در اینجا یکسان است

این یکی از دلایلی است که این سوال را مطرح می کند: "آیا می توانم یک مسیحی باشم و به کلیسا نروم؟" چنین سوال مزخرفی است ما عضو یک باشگاه اجتماعی یا گروه خاص یا یک حزب سیاسی نیستیم! ما اعضا ی یک بدن هستیم، اعضای مختلف/متنوع بدن خود خداوند، عیسی مسیح و ما باید در مورد خودمان و سایر اعضای کلیسا فکر کنیم. به عنوان بدن مسیح، کلیسا دارای تنوع است.

ثانیاً، کلیسا به عنوان بدن مسیح، ما را کاملاً در وحدت در خود جمع میکند، (آیه 13 را بخوانید (و بر «همه»، «یک» و «در» تاکید کنید

کسانی که قبلاً بر اساس ریشه های نژادی/قومی یا موقعیت اجتماعی از یکدیگر جدا بودند، اکنون و هر مسیحی در همان روح (آیه 13) یکی هستند. هر مسیحی تعمید می‌یابد - غرق در روح (آیه 13) می‌نوشد.

ما باید در مورد خود و سایر اعضای کلیسایمان فکر کنیم.

متن این نامه نشان می‌دهد که کلیسایی که برای اولین بار برای آن نوشته شده است، کلیسایی بود که اعضای آن دسته دسته تقسیم شده بودند. به نظر می‌رسد برخی فکر می‌کردند که داشتن یک موهبت خاص (احتمالاً زبان و گویششان) معیاری است برای اینکه آیا کسی روح القدس را دریافت می‌کند یا کسی روح القدس را دریافت نمی‌کند. اما واقعیت بسیار متفاوت است. ما به وسیله روح القدس خدا در بدن مسیح - کلیسا - گرد هم آمده و متحد شده ایم. و ما به عنوان بدن مسیح از طیف عظیمی از بخش‌های متنوع تشکیل شده‌ایم - هدایا، قومیت‌ها، زبان‌ها، فرهنگ‌ها، زمینه‌های اجتماعی و اقتصادی.

برای این کلیسای تقسیم شده پس از آن، به نظر می‌رسد که یکی از بهترین راه‌ها برای جلوگیری از تفرقه، داشتن، بیان و تجلیل از وحدت کامل و تنوع کالیدوسکوپي آنها بود!
امروزه این چیز درست است
باشد که خداوند ما را در این امر یاری و هدایت کند. باشد که هر یک از ما مشتاق باشیم که با دعا پیشقدم شویم. کلیسا بدن مسیح است.

نگرش قلبی کلیسا 2.

(آیه 13-14): از آنجایی که کلیسا بدن مسیح است، دو چالش خاص برای قلب / نگرش / فرهنگ کلیسا وجود دارد.

. اولاً، مراقب فروتنی کاذب، باشید. (آیه 14-15 را مطالعه کنید)

این زمانی است که ما وسوسه می‌شویم که فکر کنیم هیچ هدیه ای نداریم. یا اینکه هدیه ای که داریم استفاده ای ندارد. یا اینکه فکر کنیم موهبتی که داریم خیلی هم یک هدیه نیست - یا این یک هدیه مهم نیست! بنابراین، ما وسوسه می‌شویم با خود فکر می‌کنیم که بهتر است آن را ترک کرده و به جای دیگری برویم.

این طرز فکر باعث میشود شما فکر کنید که در تحقیر شده اید. احتمال افتادن در این وسوسه بسیار واقعی است. در این جا دو پادزهر وجود دارد.

اولین مورد مثبت است و آن یادآوری این است که شما کی هستید - عضوی کاملاً ضروری و حیاتی از بدن مسیح. (آیه 16-17 را مطالعه کنید)

:پادزهر دوم منفی است و آن این است

فهمیدن این نوع وسوسه ما را به آستانه این می‌رساند که به روح بگوییم که او زمانی که هدایا را به ما میدهد کارش خیلی خوب در اعطا کردن آن‌ها انجام نمیدهد.

به نظر می‌رسد ما افرادی متواضع هستیم، اما در زیر آن نمایش ظاهری، تظاهرکردن، حسادت و "غرور وجود دارد که می‌گوید: «روح القدس، تو اشتباه کردی. من اگر جای شما بودم، به من چنین هدیه ای می‌دادم یا...!» (آیه 18-20 را مطالعه کنید)

ما باید مراقب «تواضع کاذب» باشیم، زیرا این فروتنی در حالی که با افتخار و غرور، خدا و انتخاب‌هایش را زیر سؤال می‌برد.

کلیسا بدن مسیح است و در نقش‌ها و استفاده از هدایایی که خدا به هر یک از ما به عنوان اعضای بدن خود داده است، نگرش قلبی و شادی واقعی وجود دارد.

دومین نگرش قلبی که با آن مواجه می‌شویم، این است که مراقب غرور باشید، این که ما فکر می‌کنیم ما مهم‌ترین هدیه (ها) را داریم؛ باعث ایجاد غرور میشود. ما به دیگران در کلیسا که هیچ هدیه‌ای نگرفته‌اند، با تحقیر نگاه می‌کنیم... یادمان نرود که هر چیزی که ما به آن فکر می‌کنیم اهمیت دارد و افکارمان مهم هستند. یکی از بهترین پادزهرها برای این وسوسه این است که به این فکر کنیم که کلیسا بدون بخش‌ها افراد و هدایایی که حتی ممکن است واضح نباشند، کجا می‌بود؟ کلیسا در وضعیت وحشتناکی قرار می‌گرفت! (آیه 21-22 را مطالعه کنید)

پادزهر غرور، احترام گذاشتن به دیگران است. (آیه 23-25 را مطالعه کنید) نگاه کنید، کتاب مقدس می‌گوید که قهرمانان گمنام کلیسا را ستایش کند کار درستی b آیه 24 است، زیرا این کاری است که خدا انجام می‌دهد! علاوه بر این، خوب بودن و قدردانی از دیگران به قلب ما نیز شادی می‌آورد. (آیه 26 را بخوانید)

نتیجه‌گیری

بیباید به ابتدای فصل برگردیم. (آیه 1 را بخوانید) بیباید در مورد روح القدس و خدمت او در میان ما بی‌خبر نباشیم. او وحدت و تنوع را به عنوان بدن خداوند عیسی مسیح به کلیسای ما می‌آورد. از فروتنی کاذب برحذر باشیم و از تکبر برحذر باشیم. بنابراین، بیباید پایان فصل را با هم بخوانیم، (آیه 27 - 30 را مطالعه کنید) لطفاً توجه داشته باشید که در این آیات پایانی تأکید بر خود هدایا نیست، بلکه تأکید روی کلمه ای "است که حتی در متن نیست! متوجه شدین ایت کلمه چیست؟ (با اضافه کردن و تأکید بر "نه (دوباره بخوانید) و یکشنبه آینده باز به کلیسا می‌آییم، و زمانی که توجه ما به چیزی معطوف میشود که بدون آن، تمام (را مطالعه کنید b آیه 31). هدایا، نقاط قوت و مشارکت‌های ما اتلاف وقت است امروز که به پایان می‌رسیم، می‌خواهم آهنگی را با شما به اشتراک بگذارم که هرگز در این کلیسا نخوانده ایم. کمی مربوط به دهه 1980/90 است، بنابراین به اندازه کافی جدید یا قدیمی نیست که بشود با سیستمعامل قابل خواندن باشد. متوجه منظورم میشوید؟ اما فکر می‌کنم این آهنگ یک حس بسیار مرتبط و دعای عالی برای این مجموعه در اول قرن‌تینان 12-13 است

اجازه می‌دهی بنده تو باشم؟
بگذارید برای شما مانند مسیح باشم
دعا کن که به من لطف کند و
بگذار تو هم بنده من باشی
ما در سفر زائر هستیم
ما مسافر راه هستیم
ما اینجا هستیم تا به هم کمک کنیم
مایل راه بروید و بار را تحمل کنید
من نور مسیح را برای شما نگه خواهم داشت
در شب‌های ترسناک تو
دستم را به سوی تو دراز خواهم کرد
آرامشی را که آرزوی شنیدن آن را دارید، بیان کنید
وقتی تو گریه کنی من گریه می‌کنم

وقتی تو بخندی من هم با تو می خندم
در شادی و غم شما شریک خواهم شد
تا زمانی که ما این سفر را دیدیم
اجازه می دهی بنده تو باشم؟
بگذارید برای شما مانند مسیح باشم
دعا کن که به من لطف کند
تا تو هم بنده من باشی
(ریچارد گیلارد)